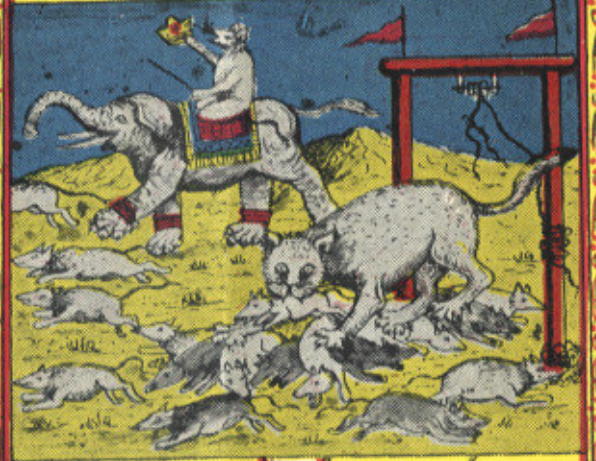




شاه از یک جهت کزینا
مخزن و تخت و تاج و یوانا
یادگار عبید زاکانان

شکر از یکطرف فراری شاه
از میان رفت فیل و خیل و سوار
بست این قصه عجیب و غریب

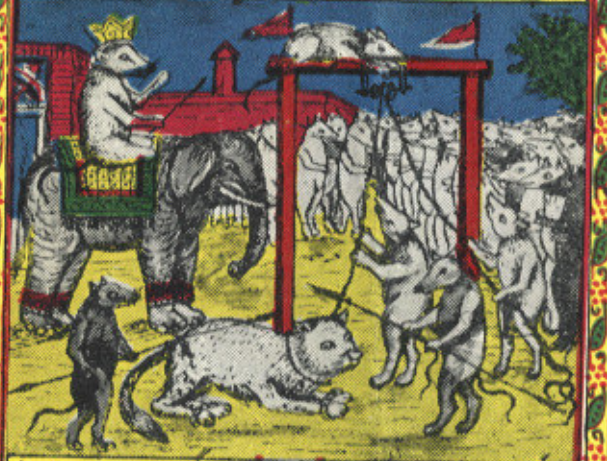


جلان من پسند گیر از این قصه
که شوی در زمانه شاه دانا
(۱۵)

غرض از موشش و کربه بر خواندن
این کربه بر
دعا فخرم کن سپهر جانان

بهر فتح و ظفر فراوانا
شکر از پیش و پس خروشان
با کلاف و طناب و ریمانا

موشکان طبل شاه دانه زدند
شاه موشان بشد بقیل سواد
کربه را بر دو دست بسته بهم



این سگ روسا ه نادانا
غیرتش شد چو دیک جوشانا
کند آن ریمان بدذانا
که شد ندی بخاک یکسانا
(۱۴)

شاه گفت بدار او بزند
کربه چون دید شاه موشان را
بجو شیری نشست بر زانو
موشکان را گرفت ز دزمین

(Table II.9: Moosh o Gorbah, illustration by an unknown artist. Scan presented on <http://moosh-o-gorbah.farangis.de>)